

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1394/03/03



موضوع: مسئله سوم و دو صورت آن

اسعد الله ایامکم، عید بر همه شما مبارکباد. روز ولادت آقا امام سجاد زین العابدین و سید الساجدین و امام العارفین که از آغاز تا فرجام امام عارفین است و از ابتداء تا انتها تا جهان عبودیت بوده امام سجاد زین العابدین است. و از روزگاران که سجده برای خدای متعال صورت می گرفته امام سجاد سید الساجدین است. به محضر مبارک مولایمان ارباب عالم هستی سلطان کونین بقیه الله الاعظم تبریک می گوئیم و این روز ولادت را برای شما هم تبریک می گوئیم. روز ولادت امام سجاد زین العابدین یعنی روزی که رنگ عبادت بر فضای جلسه حکومت کند. روز ولادت سید الساجدین یعنی روزی که ارتباط بین خالق و خلق مستقیم بشود. محضر بانوی جهان اسلام سیده النساء بعد فاطمه الزهراء و زینب الکبری فاطمه معصومه این ولادت با سعادت را تبریک می گوئیم. یکی دو جمله از بیان امام سجاد بیان کنم. امام سجاد سلام الله تعالی علیه در وصف و فضیلتش با همان سه عنوانی که گفتم از آن مجمل بخوانید تفصیلی را ان شاء الله. این بنده حقیر از باب یک گونه ارادتی که به امام سجاد دارم و یک نوع دل بستگی و آن نور شخصا دارم، در بحث عقائد تعارف نیست. ولایات در چه حدی است؟ صد در صد، نود و نه و نیم هم نیست. در عبادات بله، معلوم نیست عبادات چه باشد. لذا بنده حقیر که می گویم دل بستگی دارد به وجود مقدس و مخصوصا امام سجاد، خودم در مکه بودم یا اینجا بودم یادم نیست، در عالم رویا دیدم امام سجاد را. در مکه بودم یک بعثی از سعودی ها ظاهرا استاد دانشگاه بود و باز نشست شده بود، آمد کنار من نشسته بود درباره امام سجاد صحبت کرد، از شعر فرزدد یادآوری کرد، گفت تاریخی مثل تاریخی که ما داریم. اشعار امام سجاد بود و بنده حقیر هم آن اشعار را آن موقع حفظ داشتم که فرزددی که آدمی که با ولایت باشد حبل الله است ولایت. دور اگر هم برود بعد حبل می کشد مثل طنابی که آویزان هم شده نمی افتد. فرزدد اینگونه بود

شيعة بود ولى عليه آلايف التحيه نبود، فرزدق آنجا بود تا هشام بن عبد الملك عصبانى شد ديد همه مردم از اين آقا احترام مى كنند براى عبدالمك حساب باز نمى كنند. گفت من هذا، من هذا يعنى يك توهين است، اين كيه. تا گفت من هذا فرزدق گفت «هَذَا الَّذِي تَعْرِفُ الْبَطْحَاءَ وَطَأْتَهُ وَالْبَيْتُ يَعْرِفُهُ وَالْحِلُّ وَالْحَرَمُ هَذَا ابْنُ خَيْرِ عِبَادِ اللَّهِ كُلُّهُمْ هَذَا النَّقِيُّ النَّقِيُّ الطَّاهِرُ الْعَلَمُ هَذَا ابْنُ فَاطِمَةَ إِنْ كُنْتَ جَاهِلَهُ بِجَدِّهِ أَنْبِيَاءُ اللَّهِ قَدْ حُتِّمُوا كَلَّتَا يَدَيْهِ غِيَاثٌ عَمَّ نَفْعُهُمَا تَسْتَوِيكُفَانِ وَلَا يَعْرِوهُمَا عَدَمٌ سَهْلُ الْخَلِيقَةِ لَا تُخْشَى بَوَادِرُهُ يُزَيِّنُهُ أَشْنَانٌ حُسْنُ الْخُلُقِ وَالْكَرَمُ يَكَادُ يُمَسِّكُهُ عِرْفَانٌ رَاحَتِهِ رُكْنُ الْحَطِيمِ إِذَا مَا جَاءَ يَسْتَلِمُ يُغْضِي حَيَاءً وَ يُغْضَى مِنْ مَهَابَتِهِ فَمَا يُكَلِّمُ إِلَّا حِينَ يَبْتَسِمُ إِنْ عُدَّ أَهْلُ النَّقَى كَانُوا أُمِّمَتَهُمْ أَوْ قِيلَ مَنْ خَيْرُ أَهْلِ الْأَرْضِ قِيلَ هُمْ». هر جا فضيلت امام سجاد بيايد من خودم اين شعر را مى خوانم. و امام سجاد سلام الله تعالى عليه كه قدوه و اسوه و امام و معصوم و اب الائمة است. ائمه اطهار از نسل امام سجاد كه در نصوص آمده ائمه يكي از فضائل امام سجاد اين است كه ائمه از نسل ايشان است. و امام سجاد پيش حتى وهابى هاى كه دشمنان شيعة هستند امام سجاد را احترام مى كنند با عظمت ياد مى كنند. خودم در مدينه شنيدم كه روايتى را نقل مى كرد عن على بن الحسين سيد الساجدين. روايت كوتاهى هم بخوانم از امام سجاد، مى فرمايد: «مجالسه الصالحين داعيه الى الصلاح و آداب العلماء زياده فى العقل و طائه و لاه الامر تمام العز و استنماء المال تمام المروه و ارشاد المستشير قضاء لحق النعمه و كف الاذى من كمال العقل و فيه راحه البدن عاجلا و آجلا» [1]. يك آيين نامه كاملى است. يك زندگى نامه انسانى در همين جملات است. يك انسان كه پيرو امام سجاد باشد فرهنگ درست ادب درست عاقلانه و زندگى در اوج آرامش و راحتى اين دستورات را و اين صفات را بايد رعايت كند.

مسئله سوم: «اذا صبّ العصير الغالى قبل ذهاب ثلثيه فى الذى ذهب ثلثاه يشكل طهارته و ان ذهب ثلثى المجموع» اين متن هم فقهى و علمى و هم نكات تحقيقى در اين متن لحاظ شده است. اگر عصيرى كه غليان كرده است ولى نجس و حرام است اما ذهاب ثلثين نشده است. يك عصير غليان كرده محرم الشرب نجس على قول. اگر اين عصير ريخته شود در عصيرى كه پاك شده و دو ثلثش رفته و محلل الشرب شده است، اين كار اگر انجام بشود طهارت اين تركيب يافته مشكل است هرچند ثلث مجموع هم دوباره برود. دليلش در يك سطر بعد خود سيد اشاره مى كند. «نعم لو كان ذك قبل ذهاب ثلثيه و ان كان ذهابه قريبا فلا بأس به» مى گويد بله، اگر اين ريختن عصير مغلى روى آن عصير قبلى به گونه اى باشد كه عصير قبلى هنوز ذهاب ثلثين نشده هرچند ذهاب ثلثين آن هم قريب باشد بأسى در تطهير نيست و تطهير به عمل مى آيد. «و الفرق ان فى الصورة الاولى» كه عصير نجس بود روى عصير پاك ريخته شد، «ورد العصير النجس على ما صار طاهرا» بر آن عصيرى كه طاهر شده است كه ذهاب ثلثين شده است، اين عصير نجس منجس مى شود. اگر شبهه كنيد كه متنجس منجس است يا نيست، اما در اينكه نجس منجس است كه شك نداريم. عصيرى كه غليان كرده نجس است ريخته شده روى عصير پاك، نجس منجس است. اگر منجس شد به ذهاب ثلثين چرا پاك نشود؟ به ذهاب ثلثين نجاست ذاتى طبق نص پاك مى

شود اما نجاست عرضی که پاک نمی شود. مثل این است که قطرات بول ریخته شده باشد قبلاً. روی این عصیر و بعد ذهاب ثلثین بشود که پاک نمی شود. بخلاف الثانیه فانه لم یصر بعد طاهراً،

سوال: المتنجدس لا یتنجس ثانیاً

پاسخ: اینجا الطاهر است ذهاب ثلثین که شده است طاهر است. او به وسیله عصیری که غلیان کرده که نجس است تنجیس می شود. و اما صورت ثانیه این بود که عصیر قبلی هنوز پاک نشده و ذهاب ثلثین نشده. این عصیری که تازه غلیان کرده این را روی آن ریختیم، فانه لم یصر بعد طاهراً عصیر قبلی ذهاب ثلثین نشده و هنوز طاهر نیست. فورد نجس علی مثله نجسی بر نجسی وارد شد، بنابراین نجس که بر نجسی وارد بشود تنجیس نیست، یک نجاست ذاتی است که مانده. این نجاست ذاتیه دو تایشان ترکیب یافته و هر دو دارای نجاست ذاتی و از یک جنس هم است، هر دو عصیر دارای غلیان، اینها اگر ذهاب ثلثین بشود پاک می شود.

سوال:

پاسخ: شرح سید این است که می فرماید در صورت اول نجاست عرضیه آمده و ذهاب ثلثین نجاست عرضیه را رفع نمی کند، در صورت دوم اصلاً طهارتی به وجود نیامده تا ریختن عصیری که غلیان کرده است و نجس است آن اولی را تنجیس کند. آن از اول نجس بوده، یک نجسی بوده مثل یک قطره خون بوده و یک قطره خون دیگر دوباره اضافه شده، دو تایش را از بین می بریم و تطهیر می کنیم با هم پاک می شود. نجسی به نجسی اضافه شده، مثلی به مثلی اضافه شده. غلیان بوده قبل از ذهاب ثلثین و دومی هم غلیان است قبل از ذهاب ثلثین است، ترکیب یافتند یک ترکیب مثلین است مثل یک قطره خون با قطره خون دیگر ترکیب پیدا کند. این دو تا همان مسیر عادی را طی می کنند که نجاست عرضیه در کار نیست و غلیان ادامه پیدا می کند تا ذهاب ثلثین بشود حکم به طهارت خواهد آمد. بعد می فرماید: «و لو صبّ العصیر الذی لم یغل علی الذی غلی» عصیری که هنوز غلیان نکرده پاک است بر عصیری که غلیان کرده و نجس شده اما ذهاب ثلثین نشده. پس این مرتبه بر عکس است عصیر پاک ریخته روی عصیر نجس، اولی عصیر نجس به عصیر پاک ریخته شده بود اینجا عصیر پاک روی عصیر نجس ریخته شد. فالظاهر عدم الاشکال فیه ظاهر این است اشکال در تطهیر نیست. اینجا تطهیر می شود. فرقی چیه؟ خود سید می گوید فرق این مسئله با مسئله اول مشکل است. «فالظاهر عدم الاشکال فیه و لعل السرّ فیه ان النجاسه العرضیه صارت ذاتیه» نجاست عرضیه شده است نجاست ذاتیه. صورت مسئله این بود که عصیر پاک است رسید به عصیری که غلیان کرده آن عصیری که غلیان کرده بود نجس بود، این پاک که ضمیمه شد به عصیری که غلیان کرده بود و نجس بود چه

چیز برایش عارض شد؟ نجاست عرضیه. قاعده ما اندکاک نجاست عرضیه به نجاست ذاتیه بود. همین عصیری که هنوز غلیان نکرده و پاک است، منضم شده است به عصیری که غلیان داشته و نجس است تا اینجا نجاست عرضیه برای عصیر دومی و پاک. ادامه پیدا کند غلیان می کند، غلیان که بکند نجاست ذاتیه. بنابراین نجاست عرضیه مندرج می شود به نجاست ذاتیه. و حکم نجاست ذاتیه در جهت رفع نجاست شامل می شود. ذهاب ثلثین که بشود هر دو پاک می شود. اما این نجاست عرضیه دقیقاً نجاست عرضیه ای است که از خود خمر آمده. اما اگر بیرون بیاید نجاست عرضیه که از خارج بیاید مثلاً قطرات بول باشد دیگر آن در آنجا تبدیل معنا ندارد چون عرضیه و ذاتیه در یک متنجس قابل اندکاک است، از یک سنخ باشد قابل اندکاک است اگر از دو سنخ باشد قابل اندکاک نیست. بنابراین حکم فرع اول عدم طهارت بود و حکم فرع دوم طهارت بود، قانون و علت و عامل این بود که در فرع اول نجس منجس بود تنجیس باقی می ماند و به وسیله ذهاب ثلثین آن تنجیس از بین نمی رفت. اما در فرع دوم نجاست عرضی مندرج می شد در نجاست ذاتی که از یک سنخ بودند و بعد نجاست ذاتی با همان حکمی که دارد به ذهاب ثلثین باشد طاهر می شود. این فرق این دو مسئله. سید می فرماید: «فالظاهر عدم الاشکال و ان کان الفرق بینة و بین الصورة الاولى لا یخلو عن اشکال» فرق این صورت با صورت قبلی در بدو نظر خالی از اشکال نیست و محتاج الی التأمل.

مسئله چهارم ذهاب ثلثین بدون غلیان

مسئله چهارم: «إذا ذهب ثلث العصیر من غیر غلیان لا ینجس اذا غلی بعد ذلک» اگر ذهاب ثلثین بشود نسبت به عصیر بدون غلیان به وسیله هواء و یا به وسیله آفتاب، به وسیله آتش و غلیان نباشد. به مرور زمان فرسایش پیدا می کند عصیر را بگذارید تا دو سومش رفت یک سومش باقی ماند، بر اثر فرسایش حرکت عناصر مادی یا در اثر کاسته شدن و کاهش طبیعی که برای اشیاء است. عصیر عنبی که ذهاب ثلثاه من غیر الغلیان سید طباطبایی می فرماید: اگر این عصیر دوباره غلیان بکند نجس نمی شود. چرا نجس نمی شود؟ دلیلی که می توانیم اقامه کنیم این است که ذهاب ثلثین شده است و درباره حکم این مسئله سید الحکیم قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: دلیلی که برای این مطلب می توانیم ارائه بدهیم این است که موضوع برای مطهریت انقلاب در عصیر عنبی آن است که ذهاب ثلثین بشود اما اینجا ذهاب ثلثین شده و موضوع باقی نیست. موضوع قبل از ذهاب ثلثین است الان که ذهاب ثلثین شده است دیگر موضوع باقی نیست، سالبه منتفی به انتفاء موضوع است. [2] مضافاً بر این صحیحہ حماد بن عثمان. حماد بن عثمان و حماد بن عیسی دوتایشان از اجلاء و ثقات هستند ولی مشترکند در اصحاب اجماع بودن، دیگر اشتراکی در توثیق ضرر ندارد. بقیه سند که سند شیخ کلینی از شیخ علی بن ابراهیم قمی عن ابیه و از بزنطی و تا حماد. «عن ابی عبد الله علیه السلام قال لا یحرم العصیر حتی یغلی» [3] عصیر عنبی حرمتی پیدا نمی کند تا اینکه غلیان بکند. ما حصل این مسئله این شد که عصیر اگر ذهاب ثلثین شده باشد بدون غلیان این عصیر اگر دوباره غلیان بکند نجس نمی شود طبق

فتوای سید. دلیلی که در این رابطه می توانیم اقامه کنیم انتفاء موضوع است و استفاده از این حدیث که منظور از غلیان هم غلیان قبل از ذهاب باشد. «لا یحرم الا اذا غلی» منظور از غلیان هم غلیان قبل از ذهاب ثلثین باشد. این نهایت دلیلی است که برای اثبات این فتوا می توانیم ارائه بدهیم. اما سید الحکیم و هم سیدنا الاستاد قدس الله نفسه الزکیه مطلب را طوری بیان می کند که گویا این حکم با قواعد تطبیق نمی کند. غلیان مشروط نیست به اینکه ذهاب ثلثین به وسیله چیز دیگر انجام نشده باشد. غلیان است و عصیر، این موضوع حکم است. شرط نیامده در متون نصوص و در مذاق فقه که یک شرطی داشته باشد، که غلیان باشد قبل از ذهاب ثلثین به هر وسیله ای، چنین شرطی نیست. غلیان است و عصیر، بعد از ذهاب ثلثین که غلیان بشود غلیان است و عصیر موضوع برای نجاست فقهاً و نصاب محقق می شود و احتیاط هم همین است.^[4] بنابراین بنابر احتیاط واجب هرچند عصیر عنبی ذهاب ثلثین شده باشد باز هم باید بعد از غلیان اجتناب و احتیاط کرد.

[1] تحف العقول، ابن شعبه حرانی، ج 1، ص 283.

[2] مستمسک العروه الوثقی، سید محسن حکیم، ج 2، ص 111.

[3] وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج 17، ص 229، ابواب اشربه محرمة، ب 3، ح 1، ط اسلامیة.

[4] التنقیح فی شرح العروه الوثقی، سید ابوالقاسم خویی، ج 4، ص 187.